

در سوگ مادر

مادر ای گنجینه ی قاموس مهر
مادر ای خوش باده ی ناز آفرین
میروم من ترک آغوشت کنم
پرورانیدی بسد رنج و ملال
خانه ات خالی چرا یکباره شد
هر کدامش هر طرف کردند فرار
دایما بود گوش ما بر ذکر تو
هر یکی فرزند تو هر گوشه رفت
هر یک ناخواسته پاشان شدند
زندگی بی سرنوشت باری گذشت
آه که من یکروز شنیدم ناگهان
گفتند ، چندی فلج بر جا فتاد
ناگهان در کمپ میان گفتوگو
این غم دوری و این افسردگی

مادر ای حور ثریای سپهر
بوسه کن منرا برای آخرین
شاید هم روزی سیه پوشت کنم
دوری ما را نمیکردی خیال
کودکانت هر طرف آواره شد
برگرفتند از تو هم صبر و قرار
کی جدایی میگذشت در فکر تو
همچو گندم دانه ها کز خوشه رفت
مثل مرغی طعمه ی توفان شدند
تو همی گفتی که یکی برنگشت
مادرم از دست و پامانده چنان
هر نفس فرزند هایش بود یاد
یک رفیقم گفت ببخشا ، مرد او
کی فراموشم شود در زندگی

هادی عروس سنگ

مارچ ۲۰۱۱ - هالند